

عادل شمرده شده فقط بوسیله‌ی ایمان

درس ۶: فقط بوسیله‌ی ایمان

دکتر آر. سی. اسپرول

ما به فرمول نهضت اصلاحات "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان" پرداختیم و حالا می‌خواهم به طور خلاصه به سؤال ایمان بپردازم. در فرمول عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، منظور از کلمه‌ی "ایمان" چیست؟

در مراحل اولیه‌ی نهضت اصلاحات، جماعت کاتولیک روم، تعلیم لوتر رو مجوزی برای تسامح یا شریعت ستیزی دونست، این ایده که می‌تونید فقط به مسیح ایمان داشته باشید و بعد هر طور که می‌خواید زندگی کنید، چون اعمال برای عادل شمردگی، ضروری نبود. پس لوتر این تکلیف رو برعهده داشت که معنی واقعی ایمان نجات بخش رو تعریف کنه.

به لحاظ تاریخی، محققان درباره‌ی نحوه‌ی گسترش ادراک اصلاح‌گرایان در مورد عناصر ایمان نجات بخش، نظر متفاوتی دارند. مثلاً توریتین در قرن ۱۷، شش یا هفت یا هشت عنصر با تفاوت ظریف رو درباره‌ی ایمان نجات بخش بیان کرد. گوردون کلارک در قرن ۲۰، این عناصر رو به دو تا کاهش داد، اما ادراک معمول و مرسوم عناصر ایمان نجات بخش در تفکر اصلاح یافته‌ی تاریخی اینه که ایمان نجات بخش شامل سه عنصر مجزاست، و این سه عنصر مجزا، "نوتیشیا"، "آسنسوس" و "فیدوکیا" نامیده شدند.

حالا عنصر اول، "نوتیشیا" که گاهی اوقات "نوتای" نامیده میشه، صرفاً به اطلاعات یا داده‌ها اشاره می‌کنه. شنیدید که میگن: "تا زمانی که ایمانتون خالصه، مهم نیست به چی ایمان دارید." "خُب، مسیحیت میگه برای حیات ابدی، مهمه که به چی ایمان دارید. محتوایی برای ایمان مسیحی هست، و ما این اقتدار رو نداریم که با هر چیز می‌خوایم اونو پُر کنیم.

پس برای اینکه بوسیله‌ی ایمان عادل شمرده بشید، باید اطلاعات اولیه درباره‌ی مسیح داشته باشید، درباره‌ی شخص و کار او. باید عناصر انجیل رو داشته باشید، که اینطور درک شده که این خدا-انسان، عیسی، روی صلیب برای گناهان ما مُرد و الی آخر. اینها مقادیر "نوتیشیا" یا "نوتای" یا نکات یا اطلاعاتی که شخص باید ایمان داشته باشه تا عادل شمرده بشه، رو تشکیل میده.

اما علاوه بر آگاهی از این داده‌ها یا اطلاعات، باید با حقیقت این اطلاعات موافق باشید. باید ایمان داشته باشید که این ایده‌ها درباره‌ی عیسی و شخص و کار او، واقعیت هستند، نه فقط اسطوره یا ایده‌های تخیلی جالب. پس ایمان نجات بخش، نیازمند توافق عقلانی و مغزی با حقیقت این داده هاست. حالا تا اینجا اصلاح‌گرایان میگن اگه ما اطلاعات، "نوتیشیا"، رو داریم و با حقیقتش موافقیم، "آسنسوس"، همه‌ی این چیزها، ما رو واجد شرایط می‌کنه

که تازه مثل یه دیو باشیم، چون ابلیس این اطلاعات رو می‌دونه و می‌دونه این اطلاعات، حقیقی هست. ابلیس می‌تونه در هر امتحان الهیاتی که بهش بدید، ۱۰۰ بگیره. اون احمق نیست. این اطلاعات رو می‌دونه.

اما علاوه بر آگاهی عقلانی و توافق عقلانی با داده‌ها، شخص باید "فیدوکیا" داشته باشه و "فیدوکیا" مربوط به اعتماد. شما نه تنها باید اطلاعات رو بدونید، به حقیقتش ایمان داشته باشید، بلکه باید شخصاً برای فدیوی خودتون بهش اعتماد کنید.

من همیشه گفتم به لحاظ عقلانی خیلی ساده هست که محتوای آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان رو درک کنید، اما اینکه اون رو وارد جریان خونتون کنید، یک موضوع دیگه هست، اینکه واقعاً تا ابد به کار مسیح برای نجاتتون اعتماد کنید و این اعتماد به مسیح رو با تکیه بر اعمال یا فعالیت یا کارها یا شایستگی خودتون یا، این خیلی مهمه، اعتراف ایمان خودتون ترکیب نکنید.

یکی از بزرگترین مشکلاتی که در زمانمون داریم، تمایز بین ایمان و اعتراف ایمانه. هر کی ایمان داره، فراخوانده شده که این ایمان رو اعتراف کنه، اما همه‌ی کسانی که این ایمان رو اعتراف می‌کنند، این ایمان رو ندارند. عیسی بارها هشدار میده که در روزهای آخر، خیلی به نزد او میان و میگن: خداوندا، خداوندا، آیا این کار رو به نام تو انجام ندادیم، آیا اون کار رو به نام تو انجام ندادیم" و الی آخر، و او بهشون میگه: "هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید! لطفاً برید."

این افراد اعتراف ایمان رو انجام دادند، اما چیزی رو که بهش اعتراف کردند، نداشتند. در جای دیگه گفت: "این قوم به لب‌های خویش مرا تمجید می‌نمایند، لیکن دلشان از من دور است." برای همین این عنصر "فیدوکیا" برای آموزه‌ی کتاب مقدسی نهضت اصلاحات درباره‌ی عادل‌شمردگی بوسیله‌ی ایمان، خیلی مهمه، که باید اعتماد حقیقی داشته باشید، نه صرفاً اعتراف.

این خطری هست که به طور خاص در شیوه‌های بشارت دادن که در تاریخ کلیسا باهاش مواجه میشیم، می‌بینیم. یک جنبش یا ایده که "بشارت انتخابی" نامیده میشه وجود داره که سعی می‌کنیم کاری کنیم که مردم تصمیم بگیرند به مسیح ایمان بیارن و از او پیروی کنند. وقتی تازه مسیحی شدم، همون سال اول ایمانم، در کلیسای محلی در جایی که به کالج می‌رفتم، یک مجموعه جلسات بشارتی داشتند و مبشری رو از شهر دیگه‌ای آوردند و او این مجموعه‌ی پیغام‌ها رو ارائه کرد.

من به طور خصوصی با او ملاقات کردم و او به من گفت: "هر مردی رو فقط ۱۵ دقیقه به تنهایی به من بده، و من یک تصمیم برای مسیح می‌گیرم." بعد از ۱۵ دقیقه که با او بودم، او خیلی بردبار بود، فهمیدم که مردم به هر چیزی اعتراف می‌کردند که فقط بعد از ۱۵ دقیقه از دست او خلاص بشن.

اما چقدر متکبرانه هست که فکر کنید می‌تونید مردم رو تحت تأثیر قرار بدید که وارد ملکوت خدا بشن. حالا در سطح فلسفی، موضوع متفاوتی هست. فیلسوف تجربی بریتانیایی، دیوید هیوم در تجزیه و تحلیل محتوای ایمان، مردم چطور و چرا به چیزی ایمان دارند، به وضوح گفت می‌تونید تصمیم بگیرید کارهای زیادی انجام بدید. می‌تونید تصمیم بگیرید امروز بعد از ظهر به مغازه برید، و بعد به این مغازه برید. می‌تونید تصمیم بگیرید امشب یک کتاب بخونید و بعد این کتاب رو بخونید.

می‌تونید تصمیم بگیرید امور مربوط به عیسی رو مطالعه کنید و بعد این امور مربوط به عیسی رو مطالعه کنید، اما کاری که به طور ارادی نمی‌تونید انجام بدید، ایمان عقلانی به چیزی هست که واقعاً بهش ایمان ندارید. من نمی‌تونم تصمیم بگیرم ایمان داشته باشم که عیسی خداوند و نجات دهنده‌ی زندگی منه. باید قانع بشم، واقعاً باید "اسنسوس" رو داشته باشم، نه به عنوان یک تصمیم، بلکه به عنوان یک اعتقاد! اینکه نسبت به ادعاهای حقیقی مسیح قانع بشم، پیش از اینکه بتونم به او ایمان بیارم. پس دوباره، در مورد زبانی که درباره ایمان به کار می‌بریم، با مشکلات زیادی مواجه میشیم.

حالا، کلمه‌ی چهارم در این فرمول، "فقط" هست. عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه و این یعنی چی؟ یعنی هیچ ترکیبی از اعمال در ایمان ما نیست که به نوعی، پایه یا اساسی باشه که خدا ما رو عادل اعلام کنه.

اگه من اینجا تخته سیاه داشتم و می‌تونستم فرمول‌های کوچکی رو مثل فرمول ریاضی $4=2+2$ روی اون بنویسم، سه تا از اون‌ها رو برای شما روی تخته می‌نوشتم. اولی، دیدگاه کاتولیک روم درباره‌ی عادل شمردگیه. ایمان + اعمال = عادل شمردگی. می‌تونستم دیدگاه شریعت‌ستیزی رو بنویسم، دیدگاه مسیحی دنیوی که خیلی در زمان ما متداوله، ایمان = عادل شمردگی - اعمال. پس می‌تونید مسیحی باشید و ایمان آورده باشید، و دنیوی باشید، مسیح، خداوند زندگی شما نیست و به عنوان نجات دهنده به او ایمان دارید، اما نه به عنوان خداوند، پس ایده‌ی شریعت‌ستیزی اینه که می‌تونید ایماندار حقیقی باشید و هرگز اعمالی نداشته باشید.

از طرف دیگه، لوتر فرمول متفاوتی رو گفت: ایمان = عادل شمردگی + اعمال. منظورش چیه؟ منظورش اینه که اگه ایمان حقیقی دارید، این ایمان حقیقی رو بعد از عادل شمرده شدن، بوسیله‌ی اعمال اطاعت ظاهر می‌کنید. حالا این اعمالی که بعد از عادل شمرده شدن ظاهر می‌کنید، هیچ شایستگی‌ای رو در عادل شمردگی شما ایجاد نمی‌کنند. اما اگه اینها نباشند، اثبات می‌کنه که چی ندارید؟ ایمان. چون ایمان حقیقی همیشه در اعمال، خودش رو ظاهر می‌کنه.

پس لوتر اینطوری گفت: "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه، اما نه با ایمانی که تنهاست." ایمان نجات بخش، همیشه با اعمال اطاعت همراهه، اما دوباره، وقتی او درباره‌ی، فقط، صحبت می‌کنه، یعنی این اعمال هیچ سهمی در عادل شمردگی شما ندارند.

طریق دیگه‌ای که میشه اینو گفت، اینه که ما فقط با عدالت مسیح عادل شمرده شدیم. من نمی‌تونم چیزی رو به شایستگی مسیح اضافه کنم یا چیزی از شایستگی مسیح کم کنم. ما با شایستگی یا اعمال او عادل شمرده میشیم. طریق دیگه برای وارونه کردنش، اینه که بگیم: "ما به عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی اعمال ایمان داریم."

خُب، این به نظر می‌رسه که کاملاً و صد در صد مخالف ایده‌ی عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه. اما من می‌گم ما بوسیله‌ی اعمال عادل شمرده شدیم، اما اینها اعمال ما نیستند. اعمال او هستند و چون عیسی شریعت رو به طور کامل در اطاعت کامل و عملی خودش به تحقق رسوند، ما می‌تونیم در حضور خدا عادل شمرده بشیم، چون برکتی رو که او بدست آورد به ما منتقل شده. پس می‌بینید چطور می‌تونیم این رو وارونه کنیم و بگیم فقط بوسیله‌ی اعمال، عادل شمرده میشیم؟ تا وقتی که فقط بوسیله‌ی اعمال مسیح، رو درک کنیم!

من نمی‌تونم چیزی اضافه کنم و وقتی به همه‌ی بیانیه‌های رومیان پردازیم، این رو خواهیم دید، پولس میگه: "از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد"، اما به هر حال، ما بوسیله‌ی ایمان به کسی که اعمال شریعت رو رعایت کرد، عادل شمرده شدیم.

حالا من در طول این مبحث درباره‌ی اهمیت ایده‌ی انتساب صحبت کردم و می‌خوام فقط دقایق بیشتری رو به این اختصاص بدم. وقتی فرق بین دیدگاه کاتولیک روم درباره‌ی عادل شمردگی و دیدگاه اصلاح یافته درباره‌ی عادل شمردگی رو تشخیص میدیم، این تمایز رو قائل میشیم. اینکه دیدگاه کاتولیک روم، تحلیلی هست و دیدگاه نهضت اصلاحات، ترکیبی هست. درسته؟ شما هزاران بار این رو شنیدید.

احتمالاً هرگز این رو نشنیدید. اما ما درباره‌ی چی صحبت می‌کنیم؟ خُب، وقتی به گزاره‌ها و بیانیه‌ها می‌پردازیم، می‌تونیم فرق بین بیانیه‌های تحلیلی و بیانیه‌های ترکیبی رو تشخیص بدیم. یک بیانیه‌ی تحلیلی، صرفاً مکررگویی هست. چیز جدیدی در گزاره نیست که قبلاً در فاعل نباشه.

اگر فرمول ریاضی رو روی تخته بنویسیم، این یک پیوند دهنده هست، باید بگیم $2+2=4$. حالا چیز جدیدی در طرف دیگه‌ی علامت مساوی نیست که در قسمت اول نباشه، چون $2+2=4$ هست و $2+2=4$ پس اطلاعات جدیدی بعد از علامت مساوی اضافه نشده. متوجه میشید؟ یک بیانیه‌ی تحلیلیه، بیانیه‌ای که نتیجتاً درسته. اجازه بدید یک مورد دیگه رو بگم: "یک مرد مجرد، مردی هست که ازدواج نکرده." حالا، بعد از فعل هست، چی درباره‌ی این مرد فهمیدید؟ یک مرد مجرد، نتیجتاً یک مرد ازدواج نکرده هست. یک مرد مجرد نمی‌تونه چیزی غیر از مرد ازدواج نکرده باشه، و ما می‌تونیم بگیم، خُب، نباید بگیم، شما نباید اون رو وارونه کنید و بگید: "مرد ازدواج نکرده، یک مرد مجرد"، چون او می‌تونه بیوه باشه و الی آخر.

اما بوسیله‌ی تجزیه و تحلیل می‌دونیم یک مرد مجرد، یک مرد ازدواج نکرده هست. پس این به لحاظ تحلیلی، درسته. پس یک دیدگاه تحلیلی درباره‌ی عادل شمردگی، بر اساس روم، خدا شخص رو فقط زمانی که به لحاظ

تحلیلی عادل باشه، عادل اعلام می‌کنه. درسته؟ خدا شخص رو تجزیه و تحلیل می‌کنه، او می‌بینه که این شخص عدالت ذاتی داره. می‌دونه این عدالت ذاتی، با کمک فیض و ایمان و مسیح و همه‌ی اینها اومده، اما در نهایت، خدا اعلام نمی‌کنه که او عادله، مگر اینکه با تجزیه و تحلیل، عادل باشه.

بیانیه‌ی ترکیبی، بیانیه‌ای هست که چیزی به اطلاعات گزاره اضافه شده که در فاعل نیست. اگه من به شما بگم مرد مجرد، مرد ثروتمندی هست، اطلاعات جدیدی به شما میدم. چیزی رو به فاعل، به مرد مجرد نسبت میدم که ذاتاً در اصطلاح "مرد مجرد" نیست، یعنی داشتن ثروت، درسته؟

پس حالا یک بیانیه‌ی ترکیبی، چیزی رو که به طور خودکار در فاعل نیست، اضافه می‌کنه. حالا چرا دیدگاه پروتستان، "ترکیبی" نامیده شده؟ چون من بوسیله‌ی خدا عادل اعلام شدم، نه به خاطر اینکه او به من نگاه می‌کنه و عدالت رو می‌بینه، بلکه چیزی به من افزوده شده، این عدالت خارجی. عدالتی که "اکسترا نوز" هست. عدالتی که از آن من نیست، به من اضافه شده. پس وقتی او به من نگاه می‌کنه، من رو تحت پوشش عدالت مسیح می‌بینه و من رو عادل اعلام می‌کنه.

حالا وقتی درباره‌ی این صحبت می‌کنیم که خدا افرادی رو که عادل نیستند، عادل اعلام می‌کنه، بارها از اصطلاح "عادل شمردگی قانونی" استفاده می‌کنیم.

چون عادل شمردگی، یک داوری قانونی هست که خدا با اون یک نفر رو عادل اعلام می‌کنه و شما می‌دونید پزشکی قانونی و روانشناسی قانونی چیه. به اندازه‌ی کافی، محاکمات رو تماشا کردید که بدونید شواهد قانونی، مربوط به شواهدی هست که برای ملاحظات قانونی یا محاکمه کاربرد داره، پس وقتی می‌گیم عادل شمردگی، قانونی هست، منظورمون اینه که خدا به لحاظ دادگاهی، ما رو عادل اعلام می‌کنه.

حالا، اینجا مشکل کوچکی هست. عادل شمردگی قانونی به لحاظ تاریخی به عنوان اصطلاح، به عنوان خلاصه‌ای برای دیدگاه پروتستان به کار رفته. اما اگه به دیدگاه کاتولیک روم نگاه کنید، خواهید دید که عادل شمردگی در دیدگاه روم، زمانی اتفاق می‌فته که خدا یک نفر رو عادل اعلام می‌کنه. پس حتی در روم، عادل شمردگی، یک داوری قانونی هست که توسط خدا انجام شده. این یک بیانیه‌ی قانونی درباره‌ی جایگاهمون در نزد خداست، اما البته فرقی با دیدگاه کاتولیک اینه که این قانونی تحلیلی هست، و در دیدگاه اصلاح یافته، قانونی ترکیبی هست.

یادمه وقتی اولین سند بشارتی‌ها و کاتولیک‌ها با هم مطرح شد، آتشی برپا کرد و بعد سند دوم با جزئیات بیشتر بیرون اومد، سعی کرد نشون بده که یه رابطه‌ی دوستانه‌ی عالی بین روم و بشارتی‌ها ایجاد شده، و من یک تاریخدان بشارتی برجسته‌ای داشتم که این سند رو امضا کرد و با من تماس تلفنی گرفت. او خیلی هیجان زده بود و گفت: "آر. سی، در این سند، اولین باری هست که کلیسای کاتولیک روم اعلام کرده که عادل شمردگی،

قانونی هست. " من گفتم: "متنفرم که هیجانت رو از بین ببرم، اما اونها همیشه تعلیم می دادند که این قانونی هست، از این لحاظ که خدا بیانیه‌ی قانونی کسانی رو که باید عادل شمرده بشن، اعلام می کنه."

همچنین در این سند خاص، اونها گفتند می تونن درباره‌ی بسیاری از مسائل مربوط به عادل شمردگی، با هم جمع بشن و فکر می کنند یک توافق اساسی بین بشارتی‌ها و کاتولیک روم هست، و بعد با این حرف خاتمه یافت که البته، انتساب، هنوز روی میز مونده و مایک هورتون گفت اونها قبلاً در سند گفتند که اونجا به همه‌ی عناصر عادل شمردگی، غیر از انتساب، رسیدگی شده.

مایک هورتون، نکته رو مطرح کرد. او گفت: "شما می تونید آرد و شکر رو بردارید و کلوچه درست کنید و می تونید همه‌ی مواد کلوچه‌ی شکلاتی رو داشته باشید، اما اگه شکلات نداشته باشید، کلوچه‌ی شکلاتی ندارید. شما کلوچه دارید، اما کلوچه‌ی شکلاتی ندارید.

پس دوباره این مسأله‌ی انتساب، به عنوان نقطه‌ی گیر کردن می مونه، و مسأله‌ی مربوط به این یا اون هست. ما یا بوسیله‌ی عدالت خودمون یا عدالت یک شخص دیگه عادل شمرده میشیم. هیچ "تردیوم کوئید" در اینجا نیست. هیچ راهی نیست که اون رو تکه تکه کنید و از دست کلمه‌ی "فقط" خلاص بشید. برای همین لوتر به این "الاین" برمی گرده، ایده‌ی "فقط" که نمی تونید اون رو با چیز دیگه‌ای ترکیب کنید، چون فقط عیسی و عدالت او، ما رو عادل می سازه.